

تاریخچه‌ی حجاب پیش از اسلام

محترم سادات اسمعیلان^۱

چکیده

انسان مرکز و محور جهان و خلیفه‌ی خداوند است. اصلاح جامعه، کسب معرفت و تهذیب نفس رسالت انسان بوده و باید توجه داشت که حیات انسان در جهان آخرت نیز استمرار دارد. ثبات و استمرار یک رفتار در جامعه به شناخت روش‌هایی نیازمند است که با نیازهای اجتماعی و فردی انسان‌ها در تضاد و تعارض نباشد و همچنین با اعمال آنها بتوان سلامت فرد و جامعه را تضمین کرد. باید توجه داشت که استعدادهای عقلانی و معنوی بشر در پرتو هدایت‌های وحیانی و رهیافت‌های فطری شکوفا می‌شود. همچنین حجاب از جمله موضوعاتی است که رعایت آن موجب حفظ کرامت انسان می‌شود و یکی از مسائل اصلی برای رشد و کمال آدمی تا مراتب عالی انسانیت است. برخی معتقدند که پوشش و حجاب، صرفاً مختص دین اسلام بوده، در نتیجه ادیان الهی در مورد چگونگی حضور زن در برابر نامحرم، قانونی خاص ندارند. این مقاله با رویکرد نظری و اسنادی، مستندات دینی پوشش و حجاب را در ادیان پیش از اسلام تبیین و تشریح کرده است. همچنین سعی در اثبات حجاب به عنوان یک خواسته فطری و عقلانی انسانی شده است. به کمک مستندات در رابطه با ادیان یهود، زرتشت و مسیحیت سعی در پاسخگویی به شبهات موجود در این بحث شده است.

واژگان کلیدی: حجاب، پیش از اسلام، ادیان، زرتشت، یهود، مسیحیت.

^۱ طلبه سطح ۲، مدرسه حضرت زهرا سلام الله علیها علوم اسلامی فاطمه الزهرا - تهران - ایران

۱. مقدمه

مطالعه پوشش زنان در ایران پیش از اسلام به منظور نمایاندن نوع پوشش از منابع تاریخی به تفکیک دوره‌های مختلف حکومتی هدف این مقاله است. در بررسی‌های انجام شده دریافته‌ایم که پوشش زنان ایرانی از پشتوانه زمینه‌های دینی، اخلاقی و اجتماعی برخوردار بوده است. در طی زمان‌ها و تحولات اجتماعی و با وجود تفاوت‌های اقلیمی وضعیت پوشش زنان تقریباً از وضعیت یکسانی برخوردار بوده است. لازم به ذکر است که این پوشش نسبتاً کامل و گشاد و یکنواخت و همچنین فراگیر بوده است.

لباس و پوشش طبیعی‌ترین نیاز هر انسان است و به سادگی می‌توان مدعی شد که «حجاب» مختص طرفداران ادیان مختلف مانند آیین مسلمانان نیست، باید توجه داشت که زنان به کمک حجاب می‌توانند خود را از آسیب‌های اجتماعی حفظ کنند.

پیش از اسلام نیز در جوامع مختلف به حسب مقتضیات زمان، حجاب وجود داشته است. انسان با شرافت در هر زمان و مکان به خاطر پدیده‌ی فطری شخصیت‌طلبی به سمت دست‌یابی به ارزش‌های متعال می‌رود. سرعت در پوشاندن خود به وسیله برگ‌ها و این احساس شرم از برهنگی، حتی بدون حضور ناظر بیگانه بدون هیچ آموزش یا فرمانی از جانب خداوند یا فرشته وحی و یا تذکر بیانگر فطری بودن پوشش در انسان است. هرچند حجاب در طول تاریخ، فراز و نشیب‌های زیادی را طی کرده و گاهی با اعمال سلیقه حاکمان، تشدید یا تخفیف یافته است اما در اکثر قریب به اتفاق آیین‌های جهان و ملت‌ها، بنا به گواهی متون تاریخی، حجاب در بین زنان، معمول بوده است و هیچ‌گاه به طور کامل از بین نرفته است.^۱

از آنجایی که حجاب و پوشش یک امر فطری می‌باشد در تمامی ادیان و مذاهب، دارای جایگاه خاصی است. برای اثبات این مسأله می‌توان به داستان حضرت آدم و حوا^۲ مراجعه کرد. در تورات (کتاب مقدس یهودیان که برای مسیحیان نیز مقدس است) اینطور نوشته شده است: «چون زن دید که آن درخت برای خوراک نیکوست و به نظر خوش نما و درختی دلپذیر و دانش افزا، پس، از میوه اش گرفته بخورد و به شوهر خود نیز داد و او خورد. آن‌گاه چشمان هر دوی ایشان باز شد و فهمیدند که عریان اند؛ پس برگ‌های انجیر به هم دوخته، سترها برای خویشتن ساختند.»^۲

حجاب به عنوان یک رفتار انسانی در طول تاریخ فراز و نشیب‌های گوناگونی داشته است. بررسی تاریخچه حجاب بیانگر آن است که نوعی پوشش که در گذشته رایج بوده است بی‌شباهت به چادر امروزی نیست. نکته حائز اهمیت این است که حجاب در طبقه‌ی زنان اشراف و حکومتی شدیدتر از حجاب در زنان معمولی بوده است.

^۱ حجاب در ادیان الهی، علی محمدی، انتشارات اشراق

^۲ سوره اعراف، آیه ۲۲

۲. طرح مسئله

حجاب و عفاف از جمله مفاهیمی هستند که امروزه در برخی دستگاه‌های اجرایی بررسی می‌شوند و در مجامع مختلف اعم از مجامع علمی و دانشگاهی، فرهنگی، مذهبی به آن‌ها پرداخته می‌شود. در اسلام حجاب را مانع گمراهی و خودنمایی و حافظ حرمت و از آداب عفت و حیا معرفی کرده‌اند. هدف اسلام از حجاب آن است که زن مسلمان با فراغت کامل بتواند وظایف و رسالت اساسی خویش را انجام دهد که این رسالت پرداختن به شئون خانه و خانه داری، حفظ نسل انسان، تربیت کودک و اهمیت دادن به آن می‌باشد. با وجود سفارش‌های اسلام به حجاب و برهان‌هایی که در آیات قرآنی می‌توان به آن‌ها اشاره کرد اما به نظر می‌رسد این مسئله همچنان در بین برخی اقشار جامعه نهادینه نشده است و هنوز ابهاماتی در این باره در اذهان برخی افراد از جامعه که از جمله‌ی آنها جوانان و نوجوانان هستند به چشم می‌خورد. از این رو هر یک از این مجامع، راهکارها و روش‌های مختلفی را بررسی و در جهت گسترش حجاب و عفاف در جامعه پیشنهاد داده‌اند و به روش‌های مختلفی برای اجرای آن تمسک جسته‌اند که صرف نظر از میزان توفیق داشتن یا توفیق نداشتن ایشان، همچنان نیاز به بررسی و ارائه راه‌کار در این زمینه احساس می‌شود. از این رو شناخت مرجع و منبعی جهت استخراج روش‌های جامع و همه سو نگر اهمیت بسزایی دارد.

باید توجه داشت که ثبات و استمرار یک رفتار در جامعه نیازمند شناخت روش‌هایی است که با اعمال آنها بتوان سلامت فرد و جامعه را تضمین کرد و همچنین با نیازهای اجتماعی و فردی انسان‌ها در تضاد و تعارض نباشد. از آنجایی که توجه به اولویت به‌کارگیری روش‌ها، تقدم و تأخر آنها حائز اهمیت است و از سوی دیگر حجم و شدت به‌کارگیری هر یک از آنها به میزان چشمگیری در ثبات آن رفتار در جامعه تأثیرگذار است به سراغ بررسی قرآن کریم خواهیم رفت زیرا برخی محققان معتقدند که پس از بررسی قرآن کریم با رویکرد ترتیب نزول آیات میتوان به بسیاری از روشهای تربیتی آن دست یافت.^۳

۳. روش قرآن در نهادینه سازی عفاف و حجاب

در فضایی که مخاطبان قرآن کریم را دسته‌ای از اعراب تشکیل می‌دادند که زنان‌شان التزامی به پوشش کامل نداشته گردن‌ها و جواهرات‌شان هویدا بود و از طرف دیگر قید و بندی در رابطه‌ی بین زن و مرد وجود نداشت تا جایی که مورخان تا نه نوع ازدواج در جاهلیت عرب را برشمرده‌اند.^۴ قرآن کریم با چه روشهایی توانست فرهنگ التزام اعراب به پوشش و حفظ حریم در روابط بین زن و مرد را ایجاد کند؟ مسئله‌ی دیگر نحوه‌ی بهره‌برداری مخاطبان کنونی قرآن از این روش‌ها به منظور نهادینه‌سازی این دو رفتار در جامعه است. نهادهای علمی، فرهنگی و دستگاه‌های اجرایی و قانون‌گذار ما می‌بایست با تمسک به قرآن کریم چه روش‌هایی را به منظور ایجاد ثبات و استمرار حجاب و عفاف در جامعه به‌کار گیرند؟ به طور کلی به منظور نهادینه‌سازی این دو رفتار در جامعه به چه راهبردهایی می‌توان دست یافت؟

با توجه به آنچه پیش‌تر گفته شده است بررسی روشهایی که در قرآن کریم به منظور نهادینه سازی فرهنگ حجاب و عفاف در جامعه‌ی عصر نزول و در طی نزول تدریجی آیات به کار رفته است، بسیار حائز اهمیت می‌باشد. در قرآن کتاب مقدس مسلمانان، ۲۴ آیه از میان ۶۲۳۶ آیه به امر حجاب اشاره کرده است. فقها با استناد به تفاسیر خود از این مجموعه آیات و با تکیه بر احادیث و روایات مرتبط، حجاب شرعی را در مورد زنی که مسلمان و بالغ و غیرپائسه و آزاد (غیربرده) باشد را اینگونه بیان می‌کنند که شامل تمام پیکر او به جز وجه (گردی چهره) و کفین (دست‌ها تا مچ) و بعضاً قَدَمَین (پاها تا مچ) دانسته‌اند که باید در برابر مرد نامحرم بالغ شامل مسلمان و غیرمسلمان و زن بالغ غیرمسلمان بپوشاند مگر اینکه آنها بردگانش اعم از غلام و کنیز باشند.^۵

^۳ بهجت پور: ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۳۷۵۱

^۴ جواد: ج ۵، صص ۵۴۸ - ۵۲۶

^۵ روش قرآن کریم در نهادینه سازی «عفاف» و «حجاب»، عبدالرضا زاهدی، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

۳-۱. روش قرآن در بیان مسأله‌ی حجاب

علت انتخاب این زاویه برای بحث کردن راجع به حجاب (که همان زاویه نگاه قرآن است) این است که هر چقدر زن و مرد به فلسفه‌ی حجاب و عفاف آگاه باشند و هرچقدر هم که آن را ضروری بیابند، تا زمانی که ریشه‌های فردی و اجتماعی بی‌عفاف از بین نرفته باشد، افراد موفق به رعایت کامل آن نمی‌شوند. امروزه می‌بینیم حتی میان افرادی که خود را پایبند به مذهب می‌دانند و برخی احکام آن را رعایت می‌کنند، عفاف (در پوشش، گفتار، رفتار، افکار و...) به درستی رعایت نمی‌شود؛ چرا که زمینه‌های آن در جامعه به درستی ایجاد نشده است.^۶

البته منظور این نیست که قرآن هدف و فلسفه‌ی عفاف و حجاب را بیان نکرده است. قرآن این هدف را به عالی‌ترین شکل بیان می‌کند. آنجا که پس از آوردن آیاتی راجع به حفظ نگاه حرام، حدود پوشش زنان را می‌آورد (سوره‌ی نور آیه‌ی ۳۵) و پس از توصیف نور الهی می‌فرماید: «خداوند هر که را بخواهد به نور خود هدایت می‌کند» یعنی با اینکه «خدا نور آسمان‌ها و زمین است» اما هرکسی متوجه این نور نیست و نمی‌تواند به واسطه‌ی آن هدایت شود. کوری چشم دل باعث ندیدن این نور باطنی است ولی مشیت خداوند نسبت به بینایی یا کوری چشم دل با لحاظ اعمال و اختیار انسان است. اگر به حکمت قرار گرفتن این آیه‌ی شریفه در میان آیات قبل و بعد (با محوریت عفاف) توجه کنیم، می‌بینیم که خداوند با بیان این حدود و احکام، در واقع ویژگی‌های شخصی را که دلش آمادگی دیدن نور الهی و هدایت به وسیله‌ی آن را دارد، بیان کرده است. بر اساس آنچه امروزه در میان مسلمانان فارسی زبان به کار می‌رود، مراد از حجاب، پوشش اسلامی است، و مراد از پوشش اسلامی زن، به عنوان یکی از احکام وجوبی اسلام، این است که زن، هنگام معاشرت با مردان، بدن خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد. در آیات مختلفی از قرآن به این معنا تاکید شده است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.^۷

❖ در آیه ۳۱ سوره نور می‌خوانیم :

«وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا لِيُضْرِبَ بِخُمْرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ...»

(و به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را [از نگاه هوس آلود] فرو گیرند، و دامان خویش را حفظ کنند، و زینت خود را جز آن مقدار که ظاهر است آشکار ننمایند، و [اطراف] روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند [تا گردن و سینه با آن پوشانده شود]).

طبق این آیه زنان باید سر و گردن خود را از نامحرم بپوشند و حق ندارند زینت‌هایی را که معمولاً پنهانی است آشکار سازند، هر چند اندام‌شان نمایان نشود. به این ترتیب آشکار کردن لباس‌های زینتی مخصوصی را که در زیر لباس عادی یا چادر می‌پوشند مجاز نیست، چرا که قرآن از ظاهر ساختن چنین زینت‌هایی نهی کرده است. با توجه به شأن نزول این آیه و سیاق آن، زنان قبل از نزول این آیه، دامنه روسری خود را به شانه‌ها یا پشت سر می‌افکندند، به طوری که گردن و کمی از سینه آن‌ها نمایان می‌شد، قرآن دستور می‌دهد روسری خود را بر گریبان خود بیفکنند تا هم گردن و هم آن قسمت از سینه که بیرون است مستور گردد. ضمناً دستوری که این آیه در مورد انداختن گوشه مقنعه به روی گریبان می‌دهد، مفهومی پوشانیدن تمام سر و گردن و سینه است و سخنی از پوشانیدن صورت در آن نیست. به همین دلیل صورت و کفین از حکم وجوب پوشیدن استثناء شده است. توضیح اینکه: عرب‌ها در آن زمان روسری و مقنعه‌ای می‌پوشیدند که دنباله آن را روی شانه‌ها و پشت سر می‌انداختند به طوری که مقنعه پشت گوش آنها قرار می‌گرفت و تنها سر و پشت گردن را می‌پوشاند، ولی قسمت زیر گلو و کمی از سینه که بالای گریبان قرار داشت نمایان بود. اسلام آمد و این وضع را اصلاح کرد و دستور داد دنباله مقنعه را از پشت گوش یا پشت سر

^۶ همان، ج ۱۴، ص ۴۵۰

^۷ مجمع البحرین، طریحی، فخر الدین، انتشارات کتابفروشی مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵ هـ. ش، چاپ سوم، ج ۲، ص ۲۴

جلو بیاورند و به روی گریبان و سینه بیندازند و نتیجه آن این بود که تنها گردی صورت باقی می ماند و بقیه پوشانده می شد.^۸

❖ در آیه ۳۳ سوره احزاب نیز می خوانیم:

«وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى»

(و در خانه های خود بمانید و همچون جاهلیت نخستین [در میان مردم] ظاهر نشوید). به طوری که در تواریخ آمده در آن موقع زنان حجاب درستی نداشتند، و دنباله روسری های خود را به پشت سر می انداختند به طوری که گلو و قسمتی از سینه و گردن بند و گوشواره های آن ها نمایان بود، و به این ترتیب قرآن همسران پیامبر (ص) را از این گونه اعمال باز می دارد. بدون شک این یک حکم عام است، و تکیه آیات بر زنان پیامبر (ص) به عنوان تاکید بیشتر است، درست مثل اینکه به شخص دانشمندی بگوئیم تو که دانشمندی دروغ مگو، مفهومش این نیست که دروغ گفتن برای دیگران مجاز است، بلکه منظور این است که یک مرد عالم باید به صورت مؤکدتر و جدی تری از این کار پرهیز کند. به هر حال این تعبیر نشان می دهد که جاهلیت دیگری همچون جاهلیت عرب در پیش است که ما امروز در عصر خود آثار این پیشگویی قرآن در دنیای متمدن مادی را می بینیم. طبق این آیه زنان باید از این گونه اعمال که جاهلیت نخستین انجام می داد و جاهلیت امروز نیز به آن روی آورده پرهیز کنند.

❖ همچنین در آیه ۵۹ سوره احزاب می خوانیم:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ»
(ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو جلباب ها [روسری های بلند] خود را بر خویش فروافکنند. این کار برای اینکه [از کنیزان و آلودگانی که از مواجهه با جوانان هرزه ابایی ندارند] شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است).

در آن زمان معمول بوده است که کنیزان و زنانی که از مواجهه با جوانان هرزه ابایی نداشتند بدون پوشیدن سر و گردن از منزل بیرون می آمدند، و از آنجا که از نظر اخلاقی وضع خوبی نداشتند گاهی بعضی از جوانان هرزه مزاحم آنها می شدند، در اینجا به زنان آزاد مسلمان دستور داده شد که حجاب اسلامی را کاملاً رعایت کنند تا از کنیزان و آلودگان شناخته شوند و بهانه ای برای مزاحمت به دست هرزگان ندهند.

بدیهی است مفهوم این سخن آن نیست که اوباش حق داشتند مزاحم کنیزان شوند، بلکه منظور این است که بهانه را از دست افراد فاسد بگیرند. دیگر اینکه هدف این است که زنان مسلمان در پوشیدن حجاب سهل سانگار و بی اعتنا نباشند، مثل بعضی از زنان بی بندوبار که در عین داشتن حجاب آن چنان بی پروا و لاپالایی هستند که غالباً قسمت هایی از بدن های آنان نمایان است و همین معنی توجه افراد هرزه را به آنها جلب می کند.

۳-۲. هندسه ی طرح مسئله ی عفاف و حجاب

موضوع حجاب در قرآن در چارچوب نظام عفاف اسلامی مطرح شده است با توجه به سوره ی نور و روند طرح مسائل در آن به این نتیجه می رسیم که در این چارچوب، حجاب، عفاف و غیرت به سراسر مثلث عفاف در جامعه هستند. هندسه ی طرح مسئله ی

^۸ همان، ج ۱۷، ص ۲۹۱

۷- حجاب و پوشش در ادیان مسیحیت

در مسیحیت نیز همانند دین زرتشت و یهود، حجاب زنان امری واجب به شمار می آمده است. در میان مسیحیان و اروپاییان، حجاب معمول و متعارف بوده و این عادت تا قرن سیزدهم سخت رایج بوده است. لازم به ذکر است که مسیحیت نه تنها احکام شریعت یهود در مورد حجاب را تغییر نداد، بلکه قوانین شدید آن را استمرار بخشید. همچنین در ادیان مسیحیت در برخی موارد قدم را فراتر نهاد و با سخت گیری بیشتری، وجوب حجاب را مطرح ساخت و با عنایت به اینکه ادیان الهی از نظر تناسب با فطرت و احکام کلی، جهت و سیره واحدی دارند، و از آن تاریخ به بعد رو به تخفیف گذاشت.

در مسیحیت، همانند دین زرتشت و یهود، حجاب زنان امری واجب به شمار می آمده است. جرجی زیدان دانشمند مسیحی می گوید: «اگر مقصود از حجاب پوشانیدن تن و بدن است. این وضع قبل از اسلام و حتی پیش از ظهور دین مسیح معمول بوده است و دیانت مسیح هم تغییری در آن نداده و تا اواخر قرون وسطا در اروپا معمول بوده است و آثار آن هنوز در خود اروپا باقی مانده است». نکته‌ی حائز اهمیت این است که در ادیان الهی از نظر تناسب با فطرت و احکام کلی، جهت و شیوه واحدی دارند و در تورات و انجیل به این مطلب که زنان از روزگار قدیم چهره خود را با برقع می پوشانده اند، اشاره شده است.^{۲۲} زیرا در شریعت یهود، تشکیل خانواده و ازدواج امری مقدس محسوب می شد و طبق نوشته ویل دورانت، ازدواج تا سن بیست سالگی اجباری بود؛ اما از دیدگاه مسیحیت قرون اولیه، تجرد، مقدس شمرده می شد. بنابر این مسیحیت، برای از بین بردن زمینه هرگونه تحریک و تهییج، زنان را به صورت شدیدتری به رعایت کامل پوشش و دوری از هر گونه آرایش و تزیین فراخواند. به علت تناسبی که بین ادیان الهی و فطرت انسان وجود دارد، از نظر احکام کلی جهت و شیوه واحدی بین ادیان وجود دارد. در مسیحیت نیز همانند دین یهود، حجاب زنان امری واجب به شمار می آمده و زنان معتقد به حضرت مسیح می کوشیدند تا مانند حضرت مریم با حجاب وارد جامعه شوند و موی سر خود را بپوشانند. نقاشان مسیحی به خصوص نقاشان قدیمی تر، تصویر حضرت مریم را با حجاب و پوشش کامل می می کشیدند. همچنین از گذشته تا زمان حال زنان راهبه و قدیس یکی از کاملترین حجاب ها را انتخاب می کردند. این امر نشان می دهد که از نظر آنان، داشتن حجاب به دینداری نزدیکتر و در پیشگاه خدا پسندیده تر است.

آیات انجیل کتاب مقدس یهودیان، دستورات دینی کاردینالها، پاپها و سیره‌ی عملی زنان مسیحی از صدر اول مسیحیت تا قرون ۱۸ و ۱۹ وجود حجاب در بین مسیحیان را تأیید می نماید. در این بخش فرازهایی از انجیل که در مورد حجاب و مسائل مربوط به آن است، مرور می نماییم.

* لزوم پوشش موی سر به ویژه در مراسم عبادی، در رساله اول پولس می خوانیم:

اما هر زنی که سر برهنه دعا یا نبوت کند، سر خود را رسوا می سازد. زیرا این چنین است که تراشیده شود. زیرا اگر زن نمی پوشد، موی را نیز ببرد. و اگر زن را موی بریدن یا تراشیدن قبیح است، باید بپوشد.^{۲۳}

* منع استفاده از آرایش ظاهری و باز در رساله پولس چنین آمده است:

و همچنین زنان، خویشتن را بیارایند به لباس مزین به حیا و پرهیز، نه به زلفها و طلا و مرواید و رخت گرانها، بلکه چنانکه زنانی را می شاید که دعوی دینداری کنند به اعمال صالحه.^{۲۴}

و اینچنین حضرت مسیح را می بینیم که همانند انبیای دیگر، چگونه و با چه شدتی از نگاه های لغزش اور نهی می کند. آیا امکان دارد چنین حکمی (حرمت نظر) با تسامح در پوشش زنان، بلکه با بی بندوباری آنان همانند امروز تطبیق داده شود؟ اگر

^{۲۲} آشنایی ۱۳۷۳، ص ۱۰۳-۱۰۶

^{۲۳} زیدان، ۱۳۷۵، ص ۹۴۲

^{۲۴} انجیل، رساله اول پولس رسول به قرنتیان، باب ۱۱، فقره ۵ و ۶

چنین باشد و عدم پوشش و خود آرایی جایز باشد، پس چگونه ممکن است مردان چشم خود را بپوشند، مگر آنکه همیشه در خانه خود باقی بمانند.^{۲۵}

سیره عملی زنان مؤمنه مسیحی نشانگر رعایت حجاب و پوشش کامل بدن می باشد و در تصاویری که از پوشاک مسیحیان و مردم اروپا در زمان های گذشته موجود می باشد، زنان دارای لباسی بلند بوده اند و سر را نیز به خوبی می پوشاندند. مطالعه نوع پوشش اقلیت ارامنه که امروزه در برخی از نقاط ایران سکونت دارند نیز نشان می دهد حجاب در بین آنان به طور کامل رواج داشته است و غیر از آن متصور نمی شده است. "مادام دیالافوا" که حدود ۸۰ سال پیش به ایران آمده بود در سفرنامه خود لباس زنان ارمنی ایران را لباسی کاملاً پوشیده و به همراه روبنده توصیف کرده است. همچنین "هانری رنه" مستشرق آلمانی درباره ی پوشاک زنان ارامنه ایران می نویسد: (زنان ارمنی از چادری سفید استفاده می کنند و حتی در مواقع لازم گوشه ای از چارقد خود را به صورت پوششی برای دهان و بینی در می آورند. بنابراین می توان گفت استفاده از حجاب در بیرون از خانه و هنگام عبادت جز ارکان اخلاق عیسوی محسوب می شده و این امر بر طبق متون معتبر تاریخی و سیره عملی زنان مسیحی کاملاً مشهود می باشد.

^{۲۵} انجیل برنابا، فصل ۱۱۹، فقره ۵-۹

۸. نتیجه‌گیری

مسئلهٔ حجاب یکی از نیازهای حقیقی در زمینه‌های دینی، اخلاقی، تربیتی و فرهنگی است. حجاب به عنوان یک رفتار انسانی در طول تاریخ فراز و نشیب‌های گوناگونی داشته است. هرچه حجاب فردی و اجتماعی، متعالی باشد، تقدس و حرمت اخلاقی و رشد و تعالی جامعهٔ اسلامی بیشتر خواهد بود و هرچه الگوهای حجاب مراتب برتر و بالاتری داشته باشند، تأثیر بیشتری بر دینداری فرد و جامعه و معنویت خواهند گذاشت.

حجاب آثار تربیتی در دو زمینهٔ فردی و اجتماعی دارد. مهم‌ترین آثار حجاب در بُعد اجتماعی، آزادی زن، سلامت اخلاقی جامعه، مسئولیت اجتماعی حفظ استقلال فرهنگی و حفظ نیروی کار اقتصادی است و همچنین مهمترین آثار حجاب در بُعد فردی، سلامت جسمانی، استحکام خانواده، شخصیت، امنیت و آرامش می‌باشد.

از آنجایی که حجاب و پوشش یک امر فطری می‌باشد در تمامی ادیان و مذاهب، دارای جایگاه خاصی است. برای اثبات این مساله می‌توان به داستان حضرت آدم و حوا مراجعه کرد. در بررسی‌های انجام شده دریافتیم که پوشش زنان ایرانی از پشتمانه زمینه‌های دینی، اخلاقی و اجتماعی برخوردار بوده است. در طی زمان‌ها و تحولات اجتماعی و با وجود تفاوت‌های اقلیمی وضعیت پوشش زنان تقریباً از وضعیت یکسانی برخوردار بوده است. لازم به ذکر است که این پوشش نسبتاً کامل و گشاد و یکنواخت و همچنین فراگیر بوده است. همچنین بررسی تاریخیچه حجاب بیانگر آن است که نوعی پوشش که در گذشته رایج بوده است بی‌شبهت به چادر امروزی نیست. نکته حائز اهمیت این است که حجاب در طبقه‌ی زنان اشراف و حکومتی شدیدتر از حجاب در زنان معمولی بوده است.

مراجع

- عهد عتیق، انجمن کتب مقدس، ۱۹۸۱ م
- حجاب در ادیان الهی، علی محمدی، انتشارات اشراق
- سوره اعراف، آیه ۲۲.
- بهجت پور: ۱۳۷۸ ج، ۱ ص ۵۱۳۷
- جواد: ج، ۵ صص، ۱۴۱ ۵۴۸ - ۵۲۶
- روش قرآن کریم در نهادهای سازی «عفاف» و «حجاب»، عبدالرضا زاهدی، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان
- زنان مؤمن، موظف به رعایت حجاب در برابر زنان غیرمسلمان، فرهنگ قرآن، اکبر هاشمی رفسنجانی و دیگر پژوهشگران، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۳۳ جلد، جلد ۱۰، ص ۳۵۳. تارنمای کتابخانه فقاها
- همان، ج ۱۴، ص ۴۵۰.
- طالبی دارابی، باقر، سیری در تلمود، قم، مرکز مطالعات ادیان و مذاهب، آدین اشتاین سالتر، ۱۳۸۳ ش
- همان، ج ۱۷، ص ۲۹۱.
- مجمع البحرين، طریحی، فخر الدین، انتشارات کتابفروشی مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵ هـ ش، چاپ سوم، ج ۲، ص ۲۴.
- معرفت ۱۳۸۶: ۷۷.
- عهد عتیق و عهد جدید، ترجمه فاضل خان همدانی، تهران، اساطیر، ۱۳۸۰
- گرگانی، امیرفریدون، گنجینه‌ای از تلمود، آبرهام کهن، تهران، اساطیر، ۱۳۸۲
- سید قطب ۱۴۱۲؛ طباطبایی ۱۴۱۷ق، ذیل سور مکی
- یسنا، ص ۵۳، پندهای ۵ - ۸ به نقل از: آموزش های زرتشت پیامبر ایران، رستم شهرزادی، انجمن زرتشتیان، آبان ۷۶.
- خرقانی نقل از اکبری دستک، ۴۳: ۱۳۸۴
- اسماعیلی نقل از مجموعه مقالات، ۵: ۱۳۸۴
- میرزاجانی نقل از مجموعه مقالات، ۱۶۴: ۱۳۸۴-۱۶۴
- حسینی، ۱۳۸۰، ص ۲۴۳
- مهناز علیمردی؛ محمد مهدی علیمردی؛ حجاب و پوشش در ادیان زرتشت، یهود و مسیحیت
- آشنایی، ۱۳۷۳، ص ۸۹
- تورات؛ سفر تثنیه: ۵/۱۷ سفر خروج: ۲۰/۱۴، ۱۷
- رضایی، ۱۳۸۳، ص ۴۵
- دورانت، ۱۳۷۶، ج ۱: زیدان، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۴۶۱
- آشنایی ۱۳۷۳، ص ۱۰۳-۱۰۶

زیدان ، ۱۳۷۵ ، ص ۹۴۲

انجیل، رساله اول پولس رسول به قرنتیان، باب ۱۱، فقره ۵ و ۶

انجیل برنابا، فصل ۱۱۹، فقره ۵-۹

فروهر، اوستا ترجمه قم، هاشم، رضی، ۱۳۷۴